

بررسی اثر صادرات بر رشد بخشهای اقتصادی ایران*

(۱۳۳۸ تا ۱۳۷۲)

حمیدرضا برادران شرکاء** سکینه صفری***

چکیده

تجارت و به ویژه صادرات از مباحث مهم و قابل توجه محافل اقتصادی خصوصاً در نیمه دوم قرن بیستم میلادی می باشد و تاکنون نظرات موافق و مخالف فراوانی در زمینه رشد و گسترش صادرات در فرایند توسعه کشورها ارایه شده است. هدف پژوهش حاضر، تعیین جایگاه صادرات در اقتصاد ایران و پاسخگویی به این سؤالات است که آیا رابطه علت و معلولی بین صادرات و رشد اقتصادی ایران در طول سالهای ۱۳۳۸ تا ۱۳۷۲ موجود است یا خیر؟ و اگر چنین رابطه ای وجود دارد آیا صادرات منجر به رشد بخشهای اقتصادی کشور گردیده است؟ و هر بخش به چه میزان تحت تأثیر رشد صادرات بوده است؟

تکنیک مورد استفاده جهت تبیین روابط فوق آزمون علیت گرانجر^۱ و استفاده از مدل رشد گرشان فدر^۲ می باشد. نتایج حاصل از بررسیها نشان می دهد که یک رابطه یک طرفه از جانب رشد صادرات به طرف رشد اقتصادی (GDP) وجود دارد و در میان سایر عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی، ضریب مربوط به صادرات، بزرگترین ضریب می باشد. همچنین در

* این مقاله، خلاصه پایان نامه ای است تحت همین عنوان، به راهنمایی دکتر سیدجواد پورمقیم و نظارت دکتر حمیدرضا برادران شرکاء، دانشگاه علامه طباطبائی
** عضو هیأت علمی دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان
*** کارشناس ارشد برنامه ریزی و توسعه اقتصادی

بررسی وضعیت سه بخش کشاورزی، صنعت و خدمات نیز به نتایج زیر دست یافته ایم:

در مورد بخش کشاورزی، رشد صادرات و صادرات غیر نفتی اثری معنی دار بر رشد این بخش نداشته و فقط رشد صادرات خود این بخش منجر به رشد بخش کشاورزی گردیده است. در مقابل، دو بخش دیگر یعنی صنعت و خدمات تحت تأثیر رشد کل صادرات، صادرات غیر نفتی و رشد صادرات بخشی بوده‌اند و هر سه عامل یادشده اثر مثبت و معنی داری بر رشد این بخشها داشته‌اند. در این رابطه، بخش خدمات بیشتر از دو بخش دیگر، از اثرات جانبی حاصل از صادرات منتفع شده است.

با توجه به نتایج حاصله و سهم قابل توجه رشد صادرات در رشد اقتصاد کشور، لزوم حرکت به سمت سیاستهای توسعه اقتصادی برون گرا تأیید می‌شود. از آنجاییکه ایران از لحاظ منابع انرژی و تنوع در تولید محصولات کشاورزی دارای استعدادهای بالقوه‌ای می‌باشد، بخش کشاورزی، قابلیت ارزآوری بیشتری را در کوتاه مدت دارد. لذا، نظر به اینکه صدور محصولات به صورت خام و اولیه، نسبت به کالاهای ساخته شده اثر کمتری بر رشد ارزش افزوده در بلند مدت خواهند داشت، بنابراین توجه به ایجاد صنایع تبدیلی و صنعتی در بلند مدت منجر به رشد مداوم ارزش افزوده و تولید ناخالص داخلی خواهد گردید.

مقدمه

نظریه‌های رشد سنتی کلاسیکها و نئوکلاسیکها به وجود رابطه‌ای قوی میان توسعه صادرات و رشد اقتصادی اشاره دارند و معتقدند که توسعه تجارت بین‌الملل، تخصص در تولید کالاهای صادراتی را افزایش می‌دهد و رشد سطح کارایی منجر به رشد مهارت‌های عمومی در بخش صادراتی می‌شود و در نهایت، منجر به تخصیص مجدد منابع از بخش غیرتجاری و غیرکارا به بخش تجاری می‌گردد که در این رابطه، نظریات اقتصاددانانی نظیر آدام اسمیت، ریکاردو و پروفیسور هابرلر^۳ مطرح می‌باشد.

همچنین عقاید بدبینانه‌ای نسبت به تجارت و توسعه صادرات در افزایش رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه (LDCs)^۴ وجود دارد که در این رابطه اقتصاد دانانی نظیر ماینت^۵، میردال^۶ پریش^۷ و سینگر^۸، تجارت را عامل عقب ماندگی ممالک در حال توسعه می‌دانند و جهت حل مشکلات ناشی از تجارت، اقتصاددانانی نظیر نورکس^۹، فرآیند رشد متوازن و پریش و سینگر، استراتژی جایگزینی واردات و هیرشمن^{۱۰} استراتژی رشد نامتوازن را تجویز نموده‌اند. اصولاً تحقیقات انجام شده در زمینه صادرات و رشد اقتصادی در طول دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بیشتر به چشم می‌خورد. دهه ۱۹۶۰ تبلور استراتژی توسعه مبتنی بر گسترش صادرات و رشد اقتصادی چشمگیر کشورهای نظیر کره جنوبی، برزیل، تایوان، سنگاپور و ... می‌باشد و در دهه ۱۹۷۰ رشد اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت در دنیا مشهود بوده است. اکثر این تحقیقات به نقش صادرات در رشد اقتصادی اهمیت فراوانی داده‌اند و اظهار می‌دارند که گسترش صادرات منجر به تخصیص کارای منابع، بکارگیری ظرفیت‌های بالقوه بیشتر، صرفه‌های ناشی از مقیاس اقتصادی و ایجاد پیشرفت تکنیکی در واکنش به رقابت خارجی می‌شود و در مورد کشورهایی که مواجه با مازاد نیروی کار می‌باشند، موجب افزایش اشتغال می‌گردد.

هدف از این مقاله، تعیین جایگاه صادرات در اقتصاد ایران و بررسی رابطه آن با رشد اقتصادی است.

فرضیه مورد بررسی، وجود رابطه علی میان صادرات و رشد تولید ناخالص داخلی طی سالهای ۱۳۳۸ تا ۱۳۷۲ می‌باشد. تأثیر صادرات بر رشد بخشهای اقتصادی کشور و میزان تأثیر رشد صادرات بر هر بخش، مورد بررسی قرار گرفته است.

3. Haberler
5. Myint
7. Prebisch
9. Nurkse

4. Less Developed Countries
6. Myrdal
8. Singer
10. Hirschman

پیش از بحث راجع به تکنیک به کار گرفته شده جهت برآورد تأثیر صادرات در اقتصاد ایران، ابتدا تصویری کلی از وضعیت بخشهای کشاورزی، صنعت و معدن و خدمات در کشور ارائه می‌شود.

۱. بررسی موقعیت بخش کشاورزی در اقتصاد کشور

در میان بخشهای تحت بررسی به جرأت می‌توان ادعا نمود که بخش کشاورزی تنها بخشی است که طی سالهای متمادی، همواره رشد مثبتی داشته است به نحویکه ارزش افزوده این بخش از ۷۸۳/۸ میلیارد ریال (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۱) در سال ۱۳۳۸ به ۱۷۴۷/۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۷ افزایش یافت که حاکی از رشد متوسط سالانه‌ای برابر با $۴/۳$ درصد می‌باشد. پس از انقلاب نیز خلاف سایر بخشها که روند نزولی را طی نموده‌اند، این بخش همچنان به روند قبلی خود ادامه داد و تنها در سال ۱۳۶۷ شاهد کاهش رشد متوسط سالانه ارزش افزوده برابر با $۴/۷۶$ درصد می‌باشیم. پس از بخش خدمات، این بخش بیشترین سهم را در تولید ناخالص داخلی (با متوسط ۲۲ درصد در طول سالهای مورد بررسی) داشته است.

در زمینه اشتغال، بخش کشاورزی سهم عمده و قابل ملاحظه‌ای از اشتغال کشور را به خود اختصاص داده است هر چند که به مرور زمان از سهم شاغلین این بخش کاسته شده است. سهم شاغلین این بخش از کل شاغلین کشور در سال ۱۳۳۸، ۵۴ درصد و طی سالهای بعد، این روند حدود $۲۲/۱$ درصد در سال ۱۳۷۲ نزول کرده است.

در زمینه سرمایه‌گذاری در بخش فوق ارقام تشکیل سرمایه به قیمت‌های جاری نشان می‌دهد که غیر از چند سال اول انقلاب، در بقیه سالها همواره یک رشد صعودی وجود داشته است. در حالیکه روند تشکیل سرمایه به قیمت‌های ثابت، جریان متفاوتی را نشان می‌دهد. طی سالهای قبل از انقلاب خصوصاً در برنامه دوم عمرانی که کشاورزی محور توسعه قلمداد شده بود، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی در این بخش روندی صعودی داشته و سپس این روند، نزولی و تقریباً ثابت بوده است. نکته قابل توجه دیگر این است که همواره سهم این بخش از سرمایه‌گذاری در میان سایر بخشها کمترین بوده است ($۴/۹$ درصد در سال ۱۳۷۲) در حالیکه نوسانات ناشی از تحولات متعدد اقتصادی در این بخش نسبت به سایر بخشها کمتر بوده که دلیل عمده آن، وابستگی کمتر این بخش به واردات بوده است. جدول شماره (۱) روند برخی از این تحولات را نشان می‌دهد.

بر اساس جدول شماره (۲) سهم صادرات این بخش در میان سایر بخشها قابل توجه می‌باشد یعنی در سال ۱۳۴۰، ۸۰/۷ درصد بوده و این رقم در سال ۱۳۵۷ به ۶۸ درصد و سپس در سالهای پس از انقلاب مجدداً سهم فوق، صعودی شده به نحویکه در سال ۱۳۶۰ به ۹۴/۶ درصد افزایش یافته است. پس از اتمام جنگ و شرایط ویژه آن مجدداً این سهم به ۶۷/۲ درصد در سال ۱۳۷۲ کاهش یافته است. ارقام فوق حاکی از آسیب پذیری کمتر این بخش نسبت به سایر بخشها می‌باشد یعنی وقوع جنگ، انقلاب، شوکهای نفتی و غیره منجر به کاهش قابل ملاحظه‌ای در فعالیتهای این بخش نشده است.

همچنین، در سال ۱۳۵۱ از کل وامها و اعتبارات تخصیص داده شده یعنی ۳۵۹ میلیارد ریال، به میزان ۲۸/۹ میلیارد ریال به بخش کشاورزی و بیش از دو برابر آن یعنی ۶۳/۸ میلیارد ریال به بخش صنعت تعلق گرفته است. متأسفانه بعد از انقلاب نیز سهم اعتبارات صنعتی به چند برابر اعتبارات کشاورزی رسیده است (سهم بخش خدمات بسیار بیشتر بوده است).^{۱۱}

برای اثبات این مسأله که وابستگی تولیدات بخش کشاورزی به خارج، نسبت به سایر بخشها کمتر می‌باشد، می‌توان به جدول داده - ستانده سال ۱۳۶۳ مراجعه کرد که تا حدودی میزان وابستگی تولیدات این بخش را مشخص می‌نماید. بر اساس این جدول، برای عرضه هر ۱۰۰۰ واحد تولیدات کشاورزی به منظور تأمین مصرف نهایی، ۲۴ واحد واردات مستقیم و غیرمستقیم لازم است. این شاخصها برای بخشهای دامداری، جنگلداری و ماهیگیری به ترتیب ۴۰، ۲، ۱۸ می‌باشد. ارقام فوق در مقایسه با دیگر بخشهای صنعتی در حد بسیار پایین‌تری می‌باشد.^{۱۲}

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱۱. بیژن لطیف، نقش و جایگاه سرمایه در توسعه کشاورزی ایران، اطلاعات سیاسی اقتصادی، ش ۳ (دی و بهمن ۱۳۶۸)، ص ۳۹.

۱۲. ابوالقاسم نادری، مزیت نسبی و توسعه صادرات در ایران (تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، آبان ۱۳۷۱)، ص ۱۸۹.

میلیارد ریال

جدول ارزش افزوده، تعداد شاغلین، سرمایه گذاری و تولید ناخالص داخلی در کشور به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱

سال	۱۳۷۲	۱۳۷۱	۱۳۷۰	۱۳۶۹	۱۳۶۸	۱۳۶۵	۱۳۶۲	۱۳۶۱	۱۳۵۹	۱۳۵۸	۱۳۵۷	۱۳۵۳	۱۳۵۱	۱۳۵۰	۱۳۴۶	۱۳۴۴
شرح																
ارزش افزوده بخش کشاورزی																
تعداد شاغلین (هزار نفر)	۳۵۳۵/۸	۳۵۸۱/۸	۳۶۱۰/۳	۳۶۸۷/۵	۳۷۲۸	۳۷۵۰/۵	۳۷۵۲/۷	۳۷۹۱/۴	۳۸۱۴/۸	۳۸۰۵/۷	۳۸۰۰/۸	۳۳۷۲/۵	۳۳۹۹/۱	۳۳۰۴/۸	۳۳۵/۸	۳۳۵۴/۵
سرمایه گذاری ثابت ناخالص	۱۰۴/۴	۱۰۸/۵	۱۲۴	۱۰۸/۸	۷۸/۳	۸۳/۴	۱۰۰/۸	۱۰۵/۹	۱۲۰/۸	۱۱۴	۱۱۹/۳	۱۳۳/۵	۱۲۷/۸	۹۷/۴	۵۳/۸	۳۹
سهم شاغلین از کل (درصد)	۲۲/۱	۲۳/۸	۲۳/۴	۲۶/۸	۲۵/۸	۲۴/۸	۲۰/۴	۲۰/۲	۲۰/۸	۱۷/۸	۱۵/۲	۱۳	۱۴/۷	۱۵/۲	۲۳/۵	۲۳/۵
سهم سرمایه گذاری از کل (درصد)	۶/۸	۵/۲	۶/۴	۷/۹	۶/۵	۵/۷	۴/۲	۵/۸	۶/۵	۶/۳	۴/۵	۱۰/۷	۱۰/۲	۹/۳	۸/۲	۷/۴

منابع: حسابهای ملی ایران ۱۳۳۰-۱۳۳۱ و سالهای پس از آن

پسند مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش اقتصادی و برنامه سرانه مختلف

سازمان برنامه و بودجه، معاونت اقتصادی و هماهنگی، دفتر جمعیت، اشتغال و موردی، گزارش آماری تولید در یک الگوی چهار بخشی در اقتصاد ایران، ص ۴۸-۳۵

جدول ۲- ترکیب صادرات غیرنفتی کشور ۱۳۷۲ - ۱۳۴۰ (میلیون دلار)

صادرات سال	محصولات کشاورزی		محصولات صنعتی		مواد کانی		جمع کل صادرات	
	ارزش	درصد از کل	ارزش	درصد از کل	ارزش	درصد از کل	ارزش	درصد
۱۳۴۰	۷۵/۲	۸۰/۷	۱۸	۱۹/۳	-	-	۹۳/۲	۱۰۰
۱۳۴۱	۷۵/۵	۷۸/۱	۲۱/۲	۲۱/۹	-	-	۹۶/۷	۱۰۰
۱۳۴۲	۸۶/۷	۸۱/۲	۲۳/۸	۲۱/۵	-	-	۱۱۰/۵	۱۰۰
۱۳۴۳	۸۸/۳	۷۲/۳	۳۳/۹	۲۷/۷	-	-	۱۲۲/۲	۱۰۰
۱۳۴۴	۱۱۸۵/۱	۷۷/۶	۳۳/۳	۲۲/۴	-	-	۱۴۸/۴	۱۰۰
۱۳۴۵	۷۷/۵	۷۷/۵	۲۲/۵	۲۲/۵	-	-	۱۰۰	۱۰۰
۱۳۴۶	۸۱/۵	۷۸	۲۳	۲۲	-	-	۱۰۴/۵	۱۰۰
۱۳۴۷	۱۹۲/۳	۸۸/۷	۲۴/۶	۱۱/۳	-	-	۲۱۶/۹	۱۰۰
۱۳۴۸	۲۱۳/۷	۸۷/۳	۳۱	۱۲/۷	-	-	۲۴۴/۷	۱۰۰
۱۳۴۹	۲۲۶/۸	۸۱/۶	۵۱/۱	۱۸/۴	-	-	۳۷۷/۹	۱۰۰
۱۳۵۰	۲۷۲/۹	۷۹/۲	۷۱/۶	۲۰/۸	-	-	۳۴۴/۵	۱۰۰
۱۳۵۱	۳۳۷/۲	۷۴/۸	۱۱۳/۶	۲۵/۲	-	-	۴۵۰/۸	۱۰۰
۱۳۵۲	۵۰۵/۱	۷۹/۶	۱۰۵/۷	۱۶/۷	۳/۸	۲۳/۹	۶۳۴/۷	۱۰۰
۱۳۵۳	۲۸۵/۶	۶۶/۳	۱۶۳/۱	۲۸/۰	۵/۶	۳۲/۸	۵۸۱/۵	۱۰۰
۱۳۵۴	۴۱۳/۷	۶۹/۹	۱۴۵/۷	۲۴/۶	۵/۵	۳۲/۸	۵۹۲/۲	۱۰۰
۱۳۵۵	۳۷۷/۱	۶۹/۸	۱۵۲/۶	۲۸/۳	۱/۹	۱۰/۲	۵۳۹/۹	۱۰۰
۱۳۵۶	۳۷۸/۴	۶۰/۷	۱۴۳/۷	۲۳/۱	۱/۶	۱۰/۱	۶۲۳/۱	۱۰۰
۱۳۵۷	۳۶۸/۹	۶۸	۱۶۳	۳۰	۲	۱۰/۹	۵۴۲/۸	۱۰۰
۱۳۵۸	۷۲۴/۸	۸۹/۳	۶۶/۴	۸/۲۰	۲/۵	۲۰/۶	۸۱۱/۸	۱۰۰
۱۳۵۹	۶۰۱/۷	۹۳/۳	۲۴	۳/۷	۳	۱۹/۵	۶۴۵/۲	۱۰۰
۱۳۶۰	۳۲۱/۳	۹۴/۶	۱۳/۲	۳/۹	۱/۵	۵	۳۳۹/۵	۱۰۰
۱۳۶۱	۲۵۵/۳	۹۰	۲۱/۳	۷/۵	۲/۵	۷/۱	۲۸۳/۷	۱۰۰
۱۳۶۲	۳۱۸/۱	۸۹/۲	۲۶	۷/۳	۳/۵	۱۲/۵	۳۵۶/۶	۱۰۰

ادامه جدول ۲

جمع کل صادرات		مواد کانی		محصولات صنعتی		محصولات کشاورزی		صادرات
درصد	ارزش	درصد از کل	ارزش	درصد از کل	ارزش	درصد از کل	ارزش	سال
۱۰۰	۳۲۵/۱	۱۱/۹	۳۸/۸	۸/۴	۲۷/۳	۷۹/۷	۲۵۹	۱۳۶۳
۱۰۰	۴۶۵	۶/۵	۳۰	۱۳/۸	۶۴	۷۹/۸	۳۷۱	۱۳۶۴
۱۰۰	۹۱۴/۹	۲/۷	۲۴/۹	۱۲/۰	۱۰۹/۹	۸۵/۳	۷۸۰/۱	۱۳۶۵
۱۰۰	۱۱۶۰/۴	۳/۳	۳۸/۳	۱۱/۴	۱۳۱/۸	۸۵/۳	۹۹۰/۳	۱۳۶۶
۱۰۰	۱۰۴۵/۸	۳/۱	۳۲/۸	۲۳/۷	۲۴۲/۷	۷۳/۷	۷۷۰/۳	۱۳۶۷
۱۰۰	۱۰۴۳/۹	۲/۶	۲۶/۹	۱۱/۷	۱۲۲/۶	۸۵/۷	۸۹۴/۴	۱۳۶۸
۱۰۰	۱۳۱۲/۲	۲/۵	۳۲/۳	۱۸/۴	۲۴۱/۵	۷۹/۱	۱۰۳۸/۴	۱۳۶۹
۱۰۰	۱۶۴۸/۷	۱/۹	۵۱/۳	۲۴/۹	۶۶۰	۷۳/۱	۱۹۳۷/۴	۱۳۷۰
۱۰	۲۹۸۷/۷	۰/۷۱	۲۱/۲	۳۲/۵	۹۷۰/۹	۶۶/۸	۱۹۹۵/۶	۱۳۷۱
۱۰۰	۳۷۴۶/۸	۱/۰	۳۹	۳۱/۸	۱۱۹۱/۷	۶۷/۲	۲۵۱۶/۱	۱۳۷۲

مأخذ: ترازنامه‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سالهای مختلف

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۲. بررسی موقعیت بخش صنعت در اقتصاد کشور

در ایران، صنعت در اشکال سنتی و قدیمی، تاریخچه‌ای چند هزار ساله دارد ولی در شکل نوین خود، پدیده‌ای تازه و متأخر است. صنایع دستی ایران که تا اوایل دوره قاجار جوایگویی نیازهای داخلی و صادراتی بود با ورود کالاهای اروپایی که کالاهایی کارخانه‌ای محسوب می‌شدند، توان رقابت با این کالاها را نداشت و لذا به تدریج، صنایع دستی ایران با هجوم کالاهای کارخانه‌ای رو به نابودی گذارد.

تا قبل از دهه ۱۳۴۰، ارزش افزوده این بخش، سهم کمی از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص می‌داد بطوریکه این رقم ۸/۸ درصد در سال ۱۳۳۸ می‌باشد. به رغم روند صنعتی شدن جهان، این روند در ایران به کندی دنبال شد. روند افزایش ارزش افزوده بخش صنعت در دوران قبل از انقلاب اسلامی روندی منظم و یکنواخت بود به نحویکه از سال ۱۳۳۸ تا سال ۱۳۵۶ ارزش افزوده این بخش از ۲۰۵/۲ میلیارد ریال (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۱) به ۲۲۸۵/۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۶ رسید و از رشد متوسط سالانه‌ای برابر ۱۴/۴ درصد برخوردار بود و سهم این بخش از تولید ناخالص داخلی، از ۸/۸ درصد به ۱۸ درصد در سال ۱۳۵۷ رسید. در سالهای پس از انقلاب اسلامی، ارزش افزوده این بخش از ۱۷۴۶/۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۸ با رشد متوسط سالانه‌ای نزدیک به ۴ درصد، به ۲۸۷۵/۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۲ افزایش یافت و سهم ارزش افزوده آن از تولید ناخالص داخلی به حدود ۲۰ درصد بالغ شد.

هر چند طی سالهای پس از انقلاب، ارزش افزوده بخش صنایع و معادن روند نزولی داشته و در دهه ۱۳۶۰ نیز روند نامنظمی را طی نموده است اما از یک روند کلی افزایشی برخوردار بوده است.

طی سالهای قبل از انقلاب، بالاترین رقم سهم اشتغال بخش صنعت از کل شاغلین، مربوط به سال ۱۳۵۵ می‌باشد که ۳۳ درصد از کل شاغلین کشور به این بخش اختصاص یافته است که این سهم در سال ۱۳۷۲، ۲۳/۷ درصد می‌باشد.

در دهه ۱۳۴۰ برنامه اصلاحات ارضی در راستای اهداف مدل توسعه روستو و همزمان با اعمال سیاست جانشینی واردات، انجام شد که هدف از آن تأمین نیروی انسانی مورد نیاز بخش صنایع و معادن نوپا و در حال شکل‌گیری بودند، و پیش بینی می‌شد که از سهم شاغلین بخش کشاورزی کاسته و به شاغلین بخش صنعت افزوده شود. یعنی در ازای انتقال نیروی کار اضافه در بخش کشاورزی به بخش صنعت، بخش صنعت نیز وسایل لازم برای پیشرفته کردن بخش کشاورزی را فراهم آورد، اما این ارتباط هیچ‌گاه

بین دو بخش ایجاد نشد و مرتباً بر حجم پروژه‌های سرمایه بر افزوده گردید که دلیل این امر نیز بیشتر ناشی از فراوانی ارز (به دلیل افزایش قیمت نفت)، کمبود نیروی کار متخصص، کارایی بیشتر این نوع صنایع و سرانجام تقاضای رو به گسترش مردم بود.

از نظر روند سرمایه‌گذاری در بخش صنایع و معادن در سالهای قبل از انقلاب و بر اساس جدول شماره (۳) یک روند منظم و فزاینده را می‌توان ملاحظه کرد به طوریکه از ۸۹/۹ میلیارد ریال (به قیمت‌های ثابت سال ۶۱) در سال ۱۳۴۴ با نرخ رشد سالانه ۱۹/۷ درصد به ۷۸۲/۴ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۶ افزایش می‌یابد. روند افزایش سرمایه‌گذاری در این بخش ناشی از افزایش قیمت‌های نفت به صورت تصاعدی است به صورتی که در سال ۱۳۵۴ نرخ رشد سرمایه‌گذاری نسبت به سال ماقبل ۹۸ درصد است این افزایش تا سال ۱۳۵۶ دنبال می‌شود تا جاییکه سهم این بخش از سرمایه‌گذاری در سال ۱۳۵۶ به بالاترین میزان خود یعنی ۲۰/۵ درصد می‌رسد.

جریان سرمایه‌گذاری در بعد از انقلاب اسلامی روندی متفاوت با قبل از انقلاب داشته است و روند منظمی در این خصوص مشاهده نمی‌گردد. از سال ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۰ یک روند نزولی ناشی از فرار سرمایه‌ها و ترس از مصادره شدن اموال مشاهده می‌شود ولی از آن پس تا سال ۱۳۶۳ روند افزایشی بوده است و مجدداً تا سال ۱۳۶۷ روند کاهشی مشاهده است که دلیل عمده آن شرایط جنگ و نااطمینانی موجود در سطح کشور می‌باشد. سپس، تا سال ۱۳۷۰ افزایش در سرمایه‌گذاری این بخش ملاحظه می‌شود. با این وجود، میزان سرمایه‌گذاری در بخش فوق در سال ۱۳۷۰ (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۱) باز هم کمتر از رقم مذکور در سال ۱۳۵۴ بوده است. همین عوامل باعث گردیده تا ارزش افزوده این بخش در سال ۱۳۶۸ کمتر از میزان آن در سال ۱۳۵۶ باشد (یعنی ۲۱۰۹/۱ میلیارد ریال در مقابل ۲۳۳۰ میلیارد ریال به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۱).

به طور کلی، نوسانات شدید در بخش صنعت و معدن حاکی از وابستگی شدید این بخش به نوسانات اقتصاد داخلی بوده و از سویی به دلیل وابستگی این بخش به صادرات نفتی، تابع نوسانات اقتصاد خارجی می‌باشد که خود از تبعات مهم یک اقتصاد تک محصولی می‌باشد که قسمت اعظم صادرات آن را یک محصول، یعنی نفت تشکیل می‌دهد.

جدول ۳- ارزش افزوده، تعداد شاغلین، سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری صنعت و معدن و سهم‌بخش ارگنل، شاغلین، سرمایه‌گذاری و تولید ناخالص داخلی در کشور به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱ و میلیارد ریال،

سال	۱۳۷۷	۱۳۷۱	۱۳۷۰	۱۳۶۹	۱۳۶۸	۱۳۶۷	۱۳۶۵	۱۳۶۴	۱۳۶۱	۱۳۵۹	۱۳۵۸	۱۳۵۷	۱۳۵۳	۱۳۵۱	۱۳۵۰	۱۳۴۶	۱۳۴۴	شرح
ارزش افزوده بخش صنعت و معدن							۲۰۰۴/۴	۳۳۲/۹	۱۸۵۹/۸	۱۸۸۰/۶	۱۷۴۶/۴	۲۰۳۳/۴	۱۳۸۷/۲	۹۸۵/۷	۸۴۱/۲	۵۰۴/۶	۶۰۳/۹	
تعداد شاغلین (هزار نفر)							۳۱۷۰	۳۲۲۶/۵	۳۳۹۰/۵	۳۳۶/۳	۳۵۴/۱	۴۱۵/۵	۳۳۸/۲	۳۰۳	۱۴۴۷/۱	۱۹۱۰/۴	۱۸۱۷/۷	
سرمایه‌گذاری ثابت ناخالص							۲۳۲/۶	۴۳۴/۳	۳۹۸/۵	۳۳۶/۳	۳۵۴/۱	۵۳۷/۹	۲۸۱/۹	۳۰۱/۴	۱۸۰/۸	۱۱۳/۶	۸۹/۹	
سهم‌داران نیروی بخش زراعت، دامپروری و ماهیگیری (درصد)							۱۸/۷	۲۰/۲	۱۸	۲۰/۲	۱۶/۱	۱۸/۰	۱۳/۹	۱۱/۵	۱۱/۳	۱۰/۵	۱۰/۸	
سهم شاغلین ارگنل (درصد)							۲۴/۲	۳۶/۹	۳۵/۲	۳۵/۴	۳۴/۴	۲۸/۴	۲۷/۸	۳۶/۱	۳۷/۰	۳۵/۱	۳۴/۳	
سهم سرمایه‌گذاری ارگنل (درصد)							۱۴/۲	۱۴/۸	۱۴	۱۳/۸	۱۳/۳	۱۴	۱۷/۴	۱۷/۸	۱۷/۳	۱۷	۱۷	

منابع: حسابهای ملی ایران ۱۳۸۵:۶ و سالهای پس از آن.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش اقتصادی و ترازنامه سزوات مختلف

سازمان برنامه و بودجه، معاونت اقتصادی و مدنیتی، دفتر جمعیت، اشتغال و بهروری، اندازه‌گیری و تجربه و تحلیل رشد بهروری عوامل تولید در یک دهه چهار بخش در اقتصاد ایران، ص ۲۸۴:۵

۳. بررسی موقعیت بخش خدمات در اقتصاد کشور

بخش خدمات از جمله فعالیتهای اقتصادی است که هر چند جنبه غیر تولیدی دارد ولی از عوامل اساسی و مؤثر در افزایش تولید محسوب می‌شود. از طرفی، گاه فعالیتهای این بخش می‌تواند منجر به عقب‌ماندگی بخش تولید شود.

منظور از بخش خدمات، مجموعه فعالیتهای مربوط به بازرگانی، رستوران و هتلداری، حمل و نقل، انبارداری، ارتباطات، موسسات پولی و مالی، مستغلات، مشاغل حرفه‌ای و تخصصی، خدمات عمومی، اجتماعی، شخصی و خانگی است.

جدول شماره (۴) ارزش افزوده بخش خدمات را در قبل و بعد از انقلاب اسلامی نشان می‌دهد. نرخ رشد سالانه ارزش افزوده بخش که در دهه ۱۳۴۰، حدود ۹/۲ درصد بود در دوره (۵۷-۱۳۵۰) به رشدی برابر ۱۴ درصد رسید و سهم بخش خدمات از تولید ناخالص داخلی (به قیمتهای ثابت سال ۱۳۶۱) به بیش از ۴۰ درصد افزایش یافت که بیشتر ناشی از افزایش درآمدهای دولت در نتیجه افزایش قیمتهای نفت می‌باشد.

به طور کلی در کشورهای در حال توسعه سهم خدمات در تولید ناخالص داخلی و اشتغال، در سطح بالایی قرار دارد در حالیکه رشد سریع خدمات در کشورهای پیشرفته، پس از دستیابی به مرحله بلوغ صنعتی ممکن می‌شود.

«در کشورهای نفت خیز مکانیسم اتکای به بر نفت، مشوق کاربرد و پیدایش نوع خاصی از خدمات است. در نتیجه، در کشورهای مزبور بخش خدمات هم در کل تولید ناخالص ملی سهم بزرگی دارد و هم در تولید ناخالص ملی غیرنفتی، گرچه در ایجاد اشتغال سهم چندان بسزایی ندارد.»^{۱۳}

در چند سال اول بعد از انقلاب اسلامی شاهد گسترش هر چه بیشتر خدمات بودیم به طوری که سهم آن به بیش از نصف تولید ناخالص داخلی رسید. همراه با سالهای بحران نفت و جنگ، ارزش افزوده بخش خدمات نیز کاهش یافت تا اینکه مجدداً با اتمام جنگ و همراه با سیاستهای تعدیل اقتصادی در برنامه توسعه اقتصادی، ارزش افزوده این بخش افزایش یافت و سهم آن از تولید ناخالص داخلی در حدود ۳۸ درصد تثبیت شد.

۱۳. همایون کاتوزیان، «اقتصاد سیاسی ایران»، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، (تهران: پایروس، ۱۳۶۸)، جلد دوم، ص ۳۳۳.

مطابق جدول شماره (۴) سهم شاغلین این بخش طی دوران قبل از انقلاب اسلامی، حدود سهم شاغلین بخش صنعت می‌باشد و این سهم مرتباً افزایش، و از ۲۴ درصد در سال ۱۳۳۸ به ۳۲ درصد در سال ۱۳۵۵ رسیده است. این روند صعودی در سالهای پس از انقلاب نیز ادامه یافت و در سال ۱۳۷۲ به ۵۴ درصد رسید. بدین ترتیب بیش از نصف شاغلین کشور در بخش خدمات مشغول بوده‌اند. همچنین، میزان سرمایه‌گذاری در این بخش از یک روند منظم و صعودی برخوردار بوده است و در کلیه این سالها، سهم بخش مذکور از کل سرمایه‌گذاری بیش از ۵۰ درصد است. میزان سرمایه‌گذاری در سال ۱۳۴۴ از ۱/۳۲۷ میلیارد ریال (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۱) با ۵/۷۵ برابر شدن تا سال ۱۳۵۶ با نرخ متوسط سالانه ۱۶/۷ درصد به ۱۸۸۱/۵ میلیارد ریال رسید. سهم این بخش از کل سرمایه‌گذاری فقط در سال ۱۳۵۵ به کمترین میزان خود یعنی ۵۵/۲ درصد کاهش یافت و تقریباً در بقیه موارد، این سهم بیش از ۶۰ درصد بوده است. بعد از انقلاب، میزان سرمایه‌گذاری در این بخش مانند سایر بخشها کاهش یافت به نحویکه از ۳/۱۳۰۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۸، به ۸۴۴ میلیارد ریال در سال ۶۷ نزول یافت. اما سهم این بخش از کل سرمایه‌گذاری افزایش یافته و در بعضی سالها (۱۳۶۶-۱۳۶۴) به بیش از ۷۵ درصد نیز می‌رسد.

وبسازار ریانه

جدول ۳- ارزش افزوده، تعداد شاغلین، سرمایه گذاری در بخش خدمات و سهم بخش از کل شاغلین، سرمایه گذاری و تولید ناخالص داخلی در کشور به قیمت ثابت سال ۱۳۹۱

سال	شرح	۱۳۹۲	۱۳۹۱	۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷				
ارزش افزوده بخش خدمات		۵۳۳۳/۷	۵۳۳۳/۵	۶۱۶۵/۹	۴۴۹۹	۳۰۰۰/۲	۶۱۶۳/۸	۵۵۲۸/۸	۶۱۶۳/۸	۵۰۲۹/۸	۵۲۱۰/۵	۴۵۳۳/۴	۴۸۵۵	۴۹۱۳/۴	۷۸۲۱/۱	۳۳۷۰/۵	۴۴۳۱/۹	۱۹۴۳/۷	۱۳۷۷	۱۱۰۰۰	۱۳۷۴
تعداد شاغلین (هزار نفر)		۸۵۵۷/۳	۷۰۰۱/۳	۶۲۷۵/۵	۹۶۷/۴	۱۳۳۷	۹۶۷/۴	۸۶۶	۹۶۷/۴	۱۲۲۸/۹	۱۸۹۹/۷	۲۸۹۴/۳	۳۷۰۹/۳	۳۵۷۶/۵	۲۲۹۹/۴	۲۳۷۵/۲	۲۱۷۰/۳	۱۹۰۶/۴	۱۸۹۹/۹	۱۷۹۸/۲	۱۳۷۳
سرمایه گذاری ثابت ناخالص		۱۲۹۹/۴	۱۲۸۸/۴	۲۷/۲	۲۷/۲	۲۸	۲۷/۲	۲۸/۹	۲۷/۲	۳۲/۵	۴۵/۷	۴۲/۹	۵۲/۶	۴۵/۸	۴۲/۳	۷۸/۳	۶۷/۵	۷۷/۴	۷۹/۵	۲۹/۵	۱۳۷۲
سهم شاغلین از کل (درصد)		۵۴/۰	۴۹/۲	۴۷/۹	۴۹/۸	۴۵/۱	۴۵/۱	۴۵/۱	۴۵/۱	۴۵/۱	۴۴/۴	۳۹/۳	۳۸/۷	۴۵/۱	۴۰/۱	۳۸/۷	۳۶/۴	۳۴/۹	۴۵/۴	۲۵/۴	۱۳۷۱
سهم سرمایه گذاری از کل (درصد)		۱۱	۲۵	۱۳/۷	۷/۱	۳۳/۸	۳۳/۸	۳۳/۸	۳۳/۸	۳۳/۸	۳۳/۸	۲۸/۷	۳۲/۹	۷۰/۸	۱۳	۱۲/۳	۱۲/۱	۱۲/۷	۲۵/۴	۱۲	۱۳۷۰

منابع: حسابهای ملی ایران و ۱۳۳۸-۱۳۳۹ و ۱۳۳۹-۱۳۴۰ و ۱۳۴۰-۱۳۴۱

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش اقتصادی و تورم دهه سنوات مختلف

سازمان برنامه و بودجه، معاونت اقتصادی و آماری، «تولید ناخالص داخلی و بخشهای اقتصادی» در اقتصاد ایران، صص ۴۸-۴۹

۴. توضیح و تبیین مدل

الگوی مورد استفاده جهت تبیین رابطه رشد، مدل گرشان فدر^{۱۴} می باشد. این مدل، از یک تابع تولید شروع می شود. یعنی صادرات را در تابع تولید وارد می کند، ولی به جای یک تابع تولید ملی، اقتصاد را به دو بخش تقسیم می کند که یک بخش، تولید برای مصرف داخلی و بخش دیگر، تولید برای صادرات را انجام می دهد. نهادهای مورد استفاده در هر دو بخش یکسان است و علاوه بر آن، بخش تولید کننده برای داخل، از اثرات جانبی بخش صادرات نیز منتفع می شود.

بنابراین داریم:

$$N = f(k_n, L_n, x) \quad (۱)$$

$$X = G(K_x, L_x) \quad (۲)$$

$$y = N + X$$

N = بخش غیر صادراتی

X = بخش صادراتی

K_n, K_x = موجودی سرمایه در دو بخش

L_n, L_x = نیروی کار در دو بخش

فرض می شود بهره‌وری عوامل تولید در بخش صادراتی بزرگتر بوده و رابطه زیر برقرار باشد:

$$\left(\frac{GK}{FK}\right) = \left(\frac{GL}{FL}\right) = 1 + \delta \quad (۳)$$

مقادیر داخل پرانتز نشانگر مشتقات جزئی نسبت به هر یک از نهادهای دو بخش صادراتی و

غیر صادراتی می باشد.

δ = میزان اختلاف در بهره‌وری‌های نهایی عوامل تولید در دو بخش δ

با فرض اینکه بهره‌وری عوامل تولید در بخش صادراتی بزرگتر باشد، سیاستهای توسعه صادرات

موجب رشد بیشتر GDP خواهد شد.

جهت به دست آوردن رابطه رشد، از معادلات (۱) و (۲) دیفرانسیل گرفته می شود:

$$dN = f_k dk_n + fLdl_n + f_x dx$$

$$dX = f_k dk_x + fl dl_x$$

$$N = f_k I_n + f_l L'_n + f_x X' \quad (۴)$$

$$X' = GK I_x + GL L'_x \quad (۵)$$

I_n و I_x به ترتیب سرمایه گذاری‌های ناخالص در هر بخش می‌باشند و L'_n و L'_x تغییرات بخشی در نیروی کار، و $f_x X'$ اثر جانبی صادرات بر محصول بخش غیرصادراتی می‌باشد.

(۰) (علامت رشد هر متغیر می‌باشد)

$$Y' = N' + X' \quad (۶)$$

پس از ادغام معادلات فوق، خواهیم داشت.

$$Y' = f_k I_n + f_l L'_n + f_x X' + (1 + \sigma) f_k I_x + (1 + \sigma) f_l L'_x \quad (۷)$$

$$= f_k (I'_n + I'_x) + fl (L'_n + L'_x) + f_x X' + \sigma (f_k I_x + f_l L'_x)$$

با توجه به اینکه $I_n + I_x = I$ برابر با کل سرمایه گذاری و $L'_n + L'_x = L'$ برابر با رشد کل نیروی کار است، آن را در معادله فوق جایگزین می‌کنیم. از طرفی:

$$f_k I_x + f_l L'_x = \frac{1}{1 + \sigma} (Gk I_x + GL L'_x) = \frac{X'}{1 + \sigma} \quad (۸)$$

با جای گذاری روابط فوق در معادله (۷) داریم:

$$Y' = f_k I + f_l L' + \left(\frac{\sigma}{1 + \sigma} + f_x \right) X' \quad (۹)$$

فدر با توجه به بحث برونو (۱۹۶۸) فرض می‌کند که یک رابطه خطی بین کارآیی نهایی واقعی نیروی کار در یک بخش مشخص و تولید متوسط هر کارگر در اقتصاد وجود دارد بنابراین:

$$fL = \beta \left(\frac{Y}{L} \right) \quad (۱۰)$$

با تقسیم معادله (۹) بر Y و در نظر گرفتن $fk = \alpha$ داریم:

$$\frac{Y'}{Y} = \alpha \left(\frac{1}{Y}\right) + \beta \left(\frac{L'}{L}\right) + \left[\frac{\sigma}{1+\sigma} + fx\right] \cdot \left(\frac{X}{X}\right) \cdot \left(\frac{X}{y}\right) \quad (11)$$

هرگاه کارایی‌های نهایی در بخشها برابر باشند ($\sigma = 0$) و اثرات جانبی داخل بخشی وجود نداشته باشد ($fx = 0$) معادله (۱۱) تبدیل به فرمول آشنای نئوکلاسیکها از مدل منابع رشد می‌گردد.

$$\frac{Y'}{Y} = \alpha \left(\frac{k'}{k}\right) \cdot \left(\frac{k}{y}\right) + \beta \left(\frac{L'}{L}\right) + \left[\frac{\sigma}{1+\sigma} + Fx\right] \cdot \left(\frac{X}{X}\right) \cdot \left(\frac{X}{y}\right)$$

جهت بررسی اثر صادرات بر رشد بخشهای اقتصادی، تعدیلاتی به قرار زیر در روابط فوق داده شده است. به جای متغیر y یا تولید ناخالص داخلی، از ارزش افزوده هر بخش؛ به جای متغیر $\frac{I}{y}$ سرمایه‌گذاری در هر بخش تقسیم بر ارزش افزوده بخش مورد نظر و به جای $\frac{L}{L}$ نیز از نسبت مذکور در بخش مورد نظر استفاده می‌شود. همچنین در رابطه $\left(\frac{X}{X}\right) \cdot \left(\frac{X}{y}\right)$ ارزش افزوده بخش جایگزین y می‌شود.

قبل از توضیح نتایج مدل، لازم به یادآوری است که یکی از اشکالات اساسی در رابطه با مدل‌های رشد نظیر مدل رشد "فدر" این است که بدون توجه به رابطه علت و معلولی بین صادرات و رشد اقتصادی با این پیش فرض که تنها صادرات علتی برای رشد اقتصادی خواهد بود، به توضیح و برآورد مدل پرداخته‌اند. اما واقعتهای اقتصادی حاکی از این مسأله است که این امکان وجود دارد که رشد نیز علتی برای صادرات باشد. همچنین ساختار اقتصادی یک کشور ممکن است به گونه‌ای باشد که هیچ یک از روابط فوق یا یکی از آنها برقرار نباشند. بنابراین، قبل از هرگونه برآورد باید ابتدا آزمون علیت انجام شود و جهت و نوع رابطه موجود در بین این دو متغیر، تعیین گردد. در اینجا، از آزمون علیت گرانجر که در بسته نرم‌افزاری TSP7 موجود می‌باشد، استفاده شده است.

همچنین، استفاده از روش حداقل مربعات معمولی (OLS) در رابطه با سری‌های زمانی، زمانی معتبر خواهد بود که این متغیرها در طول زمان پایا بوده و دارای ریشه واحد نباشند.^{۱۵}

۱۵. مطالب این قسمت برگرفته شده از منابع زیر می‌باشد:

Pindyck and Rubinfeld, "Econometric Models and Economic Forecasts", (New York: Mc Graw - Hill, 1981), PP. 463 - 564.

Maddala, "Introduction to Econometrics", PP. 588 - 589 , 591 - 597

برای تشخیص پایداری متغیرها، آزمون دیکی - فولر (D.F) که در بسته نرم افزاری TSP7 وجود دارد، مورد استفاده قرار گرفته است. از آنجاییکه مدل مورد استفاده، مدل رشد است، متغیرهای نهایی که در مدل معرفی شده‌اند، استفاده و در مورد هر کدام از آنها این آزمون انجام می‌شود. در این جریان از میان سه معادله:

الف. با ضریب ثابت

ب. با ضریب ثابت و بدون روند

ج. بدون ضریب ثابت و بدون روند

هر کدام که ضرایب معنی دارتری را ارائه کنند، انتخاب می‌شود. سپس، در صورتیکه بر اساس آماره دورین - واتسون (D.W.)، جمله اختلال^{۱۶} مدل دارای خود هم بستگی نباشد، به آماره دیکی - فولر مربوطه مراجعه می‌کنیم. اگر قدر مطلق این آماره از قدر مطلق ارزش بحرانی مکینون^{۱۷} در سطح معنی‌دار ۵ درصد بزرگتر باشد، در این صورت پذیرفته می‌شود که سری زمانی مورد بررسی پایاست و می‌توانیم از برآورد (OLS) جهت تخمین رابطه رشد استفاده کنیم.

۵. نتایج عملی مدل

جهت آزمونهای معرفی شده در قسمت قبل، از آمارهای سری زمانی که توسط سازمان برنامه و بودجه و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در طول سالهای ۱۳۳۸ تا ۱۳۷۲ منتشر شده، استفاده می‌شود که البته کلیه این سری‌های زمانی به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۱ می‌باشند. متغیرهای مورد استفاده در طول بررسی، در جدول شماره (۵) آمده است. اولین مدل، برآورد رابطه بین صادرات و رشد اقتصادی در کل اقتصاد می‌باشد. ابتدا آزمون دیکی - فولر برای متغیرهای مورد استفاده انجام شد و نتیجه چنین بود که کلیه متغیرها در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارای ریشه واحد نبوده و پایا هستند. در مرحله بعدی، آزمون علیت بین دو متغیر رشد صادرات (VARTH) و رشد تولید ناخالص داخلی (RGDP) انجام شد. در اولین و سومین وقفه، هنگامیکه جهت رابطه از سوی رشد صادرات به رشد GDP بود، آماره F به ترتیب ۳/۸ و ۳/۵۴ به دست آمد که در سطح اطمینان ۹۴ درصد فرضیه صفر مبنی بر عدم تأثیر رشد صادرات بر GDP رد می‌شود. در حالیکه برای رابطه عکس آن، یعنی تأثیر رشد GDP بر رشد صادرات این رابطه

تأیید نمی‌گردد، زیرا همواره F حاصله کوچکتر از F جدول است.

به طور کلی در تمام وقفه‌های مورد آزمون همواره یک رابطه یک جانبه از طرف رشد صادرات به رشد تولید ناخالص داخلی مشاهده می‌شود و هیچگاه این دو متغیر به طور همزمان بر هم اثر نگذاشته‌اند. بنابراین، علت عدم استفاده از مدلی نظیر مدل "خان و سقیب"^{۱۸} که بر استفاده از یک مدل همزمان جهت تعیین رابطه رشد اقتصادی و صادرات تأکید دارند، در رابطه با کشور ایران مشخص می‌شود.

قبل از برآورد نیز این نتیجه با توجه به ساختار اقتصاد ایران قابل پیش‌بینی بود. زیرا اقتصاد ایران متکی بر صادرات یک محصول یعنی نفت می‌باشد و در طول سالهای مختلف، هرگاه صادرات نفت افزایش یافته، رشد و شکوفایی در کشور کاملاً مشهود بوده است و هرگاه رکود در صادرات نفتی داشته‌ایم، کل اقتصاد مواجه با رکود و کساد شده است. در این رابطه، سال ۱۳۵۳ به عنوان سال رونق و سال ۱۳۶۳ به عنوان دوران افول رشد، یاد می‌شوند. همچنین رشد صادرات در کشور هیچگاه تحت تأثیر رشد تولید ناخالص داخلی قرار نگرفته، بلکه در نتیجه سیاستهای دولت و بر اساس نیاز به ارزهای حاصل از آن، حجم صادرات دستخوش تغییر قرار گرفته است و همواره عوامل خارجی بوده‌اند که صادرات کشور را تحت تأثیر خود قرار داده‌اند.

در آخرین مرحله، از طریق روش بر آوردی OLS، رابطه بین متغیرها با توجه به معادله شماره (۱۱) برآورد شد:

از آنجاییکه طی دوره مورد مطالعه، تحولات مختلفی نظیر شوکهای نفتی، جنگ و انقلاب رخ داده است، بنابراین اثر هر یک از این متغیرها بر روی مدل فوق نیز مورد آزمون قرار گرفته‌اند و نتیجه زیر حاصل شد:

$$RGDP = -0.07 + 0.08RTL + 0.45SHTIN + 1/2VARTH - 0.06D2 - 0.09D3 \quad (1)$$

$$(-0.07) \quad (2/4) \quad (2/8) \quad (11/3) \quad (-2/1) \quad (-5/7)$$

$$R^2 = 0.89 \quad R^2 = 0.87$$

$$D.W. = 1/93 \quad F = 45/9 \quad N = 34$$

نتایج فوق نشان می‌دهد که هر سه عامل سرمایه، نیروی کار و صادرات اثر مثبت بر رشد اقتصادی

دارند و بزرگترین ضریب، مربوط به رشد صادرات می‌باشد که نشان می‌دهد یک واحد افزایش در رشد صادرات، $1/2$ واحد رشد تولید ناخالص داخلی را افزایش می‌دهد.

با توجه به متغیرهای مجازی دخالت داده در مدل که D_4 نمایانگر وقوع انقلاب و D_3 نشان دهنده وقوع جنگ می‌باشد، متوجه اثر منفی این دو عامل بر رشد تولید ناخالص داخلی می‌شویم زیرا ضرایب این متغیرها به ترتیب $-0/06$ و $-0/09$ به دست آمده است. این در حالی است که وقوع شوک نفتی در دهه ۱۳۵۰ اثر معنی‌داری بر رشد نداشته است.

جهت بررسی رابطه بین صادرات غیرنفتی و رشد اقتصادی، از آنجاییکه بیش از ۹۰ درصد صادرات کشور را صادرات نفتی تشکیل داده است، لذا تولید ناخالص را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. بنابراین نوسانات GDP بیشتر تحت تأثیر عوامل خارجی است. برای رفع این مسأله، از تولید ناخالص داخلی بدون نفت استفاده شد و آزمون علیت بین دو متغیر رشد تولید ناخالص داخلی بدون نفت (RGDPN) و صادرات غیرنفتی (VARTHNO) انجام شد.

بزرگترین آماره F یعنی $4/2$ در اولین وقفه، هنگامی است که جهت رابطه از سوی رشد صادرات غیرنفتی به رشد تولید ناخالص داخلی بدون نفت می‌باشد که این مقدار در سطح اعتماد ۹۵ درصد بزرگتر از F جدول است، در نتیجه رابطه فوق دارای اعتبار آماری است اما رابطه عکس آن در هیچ یک از وقفه‌ها تأیید نمی‌شود، بنابراین فقط صادرات غیرنفتی منجر به رشد تولید ناخالص داخلی بدون نفت شده است. نتایج حاصل از آزمون دیکی - فولر نیز بیانگر پایاب بودن متغیرها در سطح اطمینان ۹۵ درصد است. نتایج حاصل از برآورد OLS به قرار زیر می‌باشد:

$$RGDPw = -0/1 + 0/18 RTL + 0/77SHTINO + 0/21VARTHNO - 0/14D_2 - 0/03D_3 \quad (2)$$

$$(-2/8) \quad (2/5) \quad (5/98) \quad (-1/97) \quad 3/6 \quad (-1/92)$$

$$R^2 = 0.66 \quad R^2 = 0.60$$

$$D.W. = 2 \quad F=10.9 \quad N=34$$

معادله شماره (۲) نشان می‌دهد که ضرایب کلیه متغیرها در سطح معنی‌دار ۹۵ درصد تأیید می‌گردند.

ضریب مربوط به رشد صادرات غیرنفتی نیز نشان می‌دهد یک واحد افزایش در رشد صادرات

غیرنفتی، تولید ناخالص داخلی بدون نفت را $0/21$ واحد رشد خواهد داد.

کلیه ضرایب نیز علامت مورد انتظار را دارند و با توجه به ضریب D_p و D_p که به ترتیب متغیر مجازی انقلاب و جنگ می‌باشند اثر منفی و معنی‌دار این دو حادثه را بر رشد GDP بدون نفت متوجه می‌شویم. بزرگترین ضریب مربوط به تولید نهایی سرمایه (۰/۷۷) و کشش نیروی کار طبق مدل فوق معادل ۰/۱۸ به دست آمده است.

جهت بررسی بخشهای اقتصادی نیز ابتدا آزمون پایایی و علیت در مورد متغیرها انجام و سپس مدل اصلی برآورد شد. نتایج حاصل از آزمون دیکی - فولر نشان می‌دهند که کلیه متغیرها، در سطح اطمینان ۹۵ درصد پایا هستند.

به منظور برآورد مدل به روش OLS، رابطه اصلی به صورت زیر تبدیل می‌شود:

$$RVAK = \alpha (RLK) + \beta (SHINK) + \gamma (VARTHK)$$

K ، یکی از سه بخش کشاورزی، صنعت و خدمات است که به ترتیب جایگزین می‌شوند.

$$RVAK = \text{نرخ رشد ارزش افزوده بخش } K$$

$$RLK = \text{نرخ رشد نیروی کار بخش } K$$

$$SHINK = \text{نسبت سرمایه گذاری به ارزش افزوده بخش } K$$

$$VARTHK = \text{نرخ رشد صادرات ضربدر نسبت صادرات به ارزش افزوده بخش}$$

$$\alpha = \text{نسبت تولید نهایی نیروی کار به تولید متوسط نیروی کار بخش (کشش نیروی کار)}$$

$$\beta = f(k) \quad \text{تولید نهایی سرمایه در هر بخش}$$

$$\gamma = \frac{s}{1+s} + F(x) \quad \alpha, \beta \text{ و } \gamma > 0$$

$$\sigma = \text{اختلاف در بهره‌وری عوامل تولید در بخش صادراتی و غیرصادراتی در هر بخش}$$

$$f(x) = \text{اثرات جانبی درون بخشی در نتیجه صادرات}$$

آمارهای مورد استفاده جهت برآوردهای بخشی نیز از طریق آمارهای منتشره توسط سازمان برنامه و بودجه و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به دست آمده است، همچنین، آمار سری زمانی مربوط به شاغلین در هر بخش نیز از دفتر جمعیت سازمان برنامه و بودجه اخذ شده است.^{۱۹}

۱۹. علیرضا امینی، "اندازه‌گیری و تجزیه و تحلیل رشد بهره‌وری عوامل تولید در یک الگوی چهاربخشی"، (معاونت اقتصادی و هماهنگی، دفتر جمعیت، اشتغال و بهره‌وری، ۱۳۷۵)

اولین بخش مورد بررسی، بخش کشاورزی است که بر اساس آزمون علیت انجام شده، در هیچ یک از وقفه‌ها رابطه معنی‌داری بین این دو متغیر وجود نداشته است. فقط زمانی که رابطه بین صادرات بخش کشاورزی و ارزش افزوده این بخش برآورد شد، در دومین و سومین وقفه رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی منجر به رشد صادرات بخش کشاورزی شده است. آنچه که مسلم است، در هیچ یک از وقفه‌ها رابطه دو طرفه بین دو متغیر ملاحظه نشده است. همچنین باید توجه داشت که مدل‌های آماری به دلیل وجود سایر عوامل مؤثری که در مدل لحاظ نشده‌اند، بدون نقص نیستند و امکان وجود درصدی خطا در برآوردها وجود دارد. نتایج حاصل از برآورد مدل رشد در بخش کشاورزی به قرار زیر است:

$$RVAAG = 0.02 + 0.96 RLA + 0.39 SHINAG + 0.07 VARTHA - 0.32 D_4$$

$$(3/4) \quad (10/8) \quad (3/8) \quad (0/03) \quad (-4/2)$$

$$R^2 = 0.83 \quad \bar{R}^2 = 0.81 \quad D-W = 1/98 \quad F = 36/4 \quad N = 34$$

همانگونه که ملاحظه می‌شود، کلیه ضرایب به استثنای ضریب مربوط به رشد صادرات، دارای اعتبار آماری بوده و به طور متوسط ۸۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل توجیه شده‌اند. متغیر مجازی D_4 معرف سالهای اصلاحات ارضی در دهه ۱۳۴۰ است که اثر منفی بر رشد ارزش افزوده این بخش داشته است. در مدل فوق رشد صادرات غیر نفتی نیز وارد گردید ولی ضریب مربوطه دارای اعتبار آماری نبود هرچند که ضریب مذکور (۰/۰۶) مثبت و علامت آن قابل انتظار بود.

در مدل بعدی صادرات غیر نفتی وارد مدل شده است:

از آنجایی که بیش از ۶۰ درصد صادرات غیر نفتی مربوط به صادرات بخش کشاورزی در طول دوره مورد بررسی است، بنابراین انتظار داریم که رشد ارزش افزوده بخش مذکور متأثر از رشد صادرات این بخش باشد که پس از قرار دادن صادرات بخش کشاورزی در مدل نیز نتیجه زیر حاصل شده است:

$$RVAAG = 0.02 + 0.97 RLA + 0.46 SHINAG + 0.5 REXA - 0.32 D_4$$

$$(3/2) \quad (11/6) \quad (4/4) \quad (1/99) \quad (-4/4)$$

$$R^2 = 0.58 \quad \bar{R}^2 = 0.83 \quad D.W. = 1/7 \quad F = 41/2 \quad N = 34$$

بر اساس نتایج حاصله در سطح اطمینان ۹۵ درصد ضرایب کلیه متغیرها معنی‌دار است و به طور متوسط ۸۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته، توسط متغیرهای مستقل توجیه می‌شود. بزرگترین ضریب، مربوط به رشد نیروی کار، و معادل ۰/۹۷ به دست آمده است که بیشتر ناشی از ویژگی کار بر بودن این بخش است. ضریب رشد صادرات بخش کشاورزی نیز نشان می‌دهد که با افزایش یک واحد در رشد صادرات این بخش، ارزش افزوده بخش کشاورزی ۰/۵ واحد، رشد یافته است. از آنجاییکه ضریب مربوط به رشد صادرات در برگیرنده اثر جانبی حاصل از صادرات است و از آنجاییکه صادرات غیرنفتی اثر معنی‌داری بر رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی نداشته است، می‌توان چنین نتیجه گرفت که این بخش از اثرات جانبی ناشی از صدور محصولات غیرکشاورزی منتفع نشده است.

در مورد بخش صنعت نیز روند فوق تکرار شد، ابتدا آزمون پایایی و علیت انجام گرفت و سپس معادلات به طریق OLS برآورد شده‌اند.

بر اساس نتایج حاصل از آزمون علیت هنگامی که جهت رابطه از سوی رشد صادرات به رشد ارزش افزوده بخش صنعت می‌باشد، آماره F برابر ۴/۵ بدست آمده است که در سطح معنی‌دار ۹۵ درصد و در مقایسه با F جدول که برابر با ۲/۹۳ می‌باشد، رابطه مذکور تأیید می‌گردد. مقدار آماره F زمانی که جهت رابطه عکس باشد برابر با ۰/۰۶ می‌شود که مبنی بر عدم وجود رابطه از سوی رشد ارزش افزوده بخش صنعت به رشد صادرات می‌باشد. همین نتیجه زمانی که صادرات غیرنفتی وارد مدل می‌شود حاصل گردید و جهت رابطه از سوی رشد صادرات غیرنفتی به رشد ارزش افزوده صنعت تأیید شد. اما در مورد رابطه بین صادرات بخش صنعت و رشد ارزش افزوده این بخش در هیچ یک از وقفه‌های رابطه معنی‌داری به دست نیامد.

در مرحله بعدی مدل رشد به طریق OLS برآورد گردید منتها اثر متغیرهای کیفی وقوع جنگ، انقلاب و شوک نفتی به صورت متغیر مجازی نیز بررسی گردیده و نتایج نهایی زیر به دست آمد:

$$RVAIN = -0.07 + 0.92 RLI + 0.66SHININ + 0.05VARTHI + 0.04D_1 - 0.1D_2 - 0.04D_3$$

$$(-3.1) \quad (11.2) \quad (5.8) \quad (2.9) \quad (1.8) \quad (-3.5) \quad (-2.4)$$

$$R^2 = 0.92 \quad R^2 = 0.91 \quad D.W. = 2.04 \quad F = 53.9 \quad N = 34$$

بر اساس نتایج فوق اثر مثبت رشد صادرات کل بر رشد ارزش افزوده بخش صنعت ملاحظه می‌گردد یعنی با افزایش یک واحد در رشد صادرات کشور بخش صنعت ۰/۰۵ واحد رشد یافته است. اما بزرگترین ضریب مربوط به رشد نیروی کار می‌باشد (۰/۹۲) و از آنجایی که ضریب مذکور نمایانگر نسبت تولید نهایی به تولید متوسط نیروی کار در بخش صنعت می‌باشد، می‌توان استنباط نمود که تولید نهایی نیروی کار بزرگتر از تولید نهایی سرمایه در این بخش بوده است. همچنین با توجه به ضرایب D_1 (شوگ نفتی در سال ۱۳۵۳)، D_2 (وقوع انقلاب) و D_3 (جنگ) متوجه اثر مثبت شوگ نفتی بر رشد بخش صنعت و اثر منفی وقوع جنگ و انقلاب بر رشد این بخش می‌باشیم. این نتایج بیشتر به دلیل وابستگی بخش صنعت به صدور نفت و در نتیجه عوامل خارجی می‌باشد که به شدت رشد بخش مذکور را تحت تأثیر خود قرار داده‌اند.

با دخالت رشد صادرات غیر نفتی به جای رشد صادرات کل در مدل، نتایج تقریباً مشابهی به دست آمد، یعنی همچنان ضریب مربوط به نیروی کار بزرگترین ضریب بود و ضریب مربوط به صادرات غیر نفتی به ۰/۵۷ واحد افزایش یافت. همچنین رشد صادرات بخش صنعت نیز اثر مثبت و معنی‌داری بر رشد ارزش افزوده بخش صنعت داشت و ضریب این متغیر معادل ۰/۴۷ به دست آمد و از آنجایی که ضریب مذکور شامل اثرات جانبی صادرات نیز می‌باشد، نشان می‌دهد که بخش صنعت به خوبی از اثرات جانبی ناشی از صدور محصولات سایر بخشها منتفع گردیده است.

با مقایسه ضریب مربوط به رشد صادرات صنعتی در بخش صنعت (۰/۴۷) و ضریب مربوط به رشد صادرات کشاورزی در بخش کشاورزی (۰/۵) که تقریباً با هم برابر هستند و با توجه به اینکه بیش از ۶۰ درصد از ارزش صادرات غیر نفتی مربوط به صادرات کشاورزی است، بنابراین اثر این عامل بر رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی نسبت به بخش صنعت کمتر بوده است که خود می‌تواند به دلیل رشد کندتر قیمت محصولات کشاورزی نسبت به محصولات صنعتی باشد.

بدین ترتیب اگر تکیه بر صدور مواد اولیه و کشاورزی به صورت خام هر چند در کوتاه مدت می‌تواند منبع ارزی خوبی محسوب شود، اما در بلندمدت نمی‌تواند تکیه‌گاه مناسبی به شمار آید و لزوم توجه به صدور محصولات ساخته شده و صنعتی در بلندمدت تأکید می‌شود.

به منظور بررسی بخش خدمات، ابتدا آزمون علیت صورت گرفت، نتیجه حاصل از آزمون فوق از این قرار بود که در وقفه اول و دوم اثر صادرات کل بر رشد ارزش افزوده بخش خدمات تأیید می‌شود زیرا آماره F به ترتیب $۷/۲$ و $۳/۹$ به دست آمده که در سطح اعتماد ۹۵ درصد معنی دار است. رابطه عکس نیز در هیچ یک از وقفه‌ها تأیید نمی‌شود. همچنین زمانیکه صادرات غیرنفتی و صادرات بخش خدمات در مدل دخالت داده شدند، اثر رشد هر یک از این عوامل بر رشد ارزش افزوده بخش خدمات مورد تأیید قرار گرفتند.

برای بر آورد مدل به روش OLS، ابتدا اثر کل صادرات بررسی می‌شود که نتیجه زیر حاصل شده

است:

$$RVAKH = -0.06 + 0.054RLK + 0.37SHINKH + 0.18VARTHK + 0.14D_1 - 0.06D_2 - 0.08D_3$$

$$(-1/7) \quad (5/2) \quad (2/6) \quad (2/7) \quad (3/9) \quad (-2/3) \quad (-3/6)$$

$$R^2 = 0.84 \quad \bar{R}^2 = 0.80 \quad D.W. = 1/9 \quad F = 23/7 \quad N = 34$$

علامت کلیه متغیرها مطابق انتظار بوده و بزرگترین ضریب، مربوط به نیروی کار است و با یک واحد تغییر در رشد نیروی کار، رشد ارزش افزوده بخش خدمات $۰/۵۴$ واحد افزایش می‌یابد. همچنین ضریب رشد صادرات نیز نشان می‌دهد که با افزایش یک واحد در رشد صادرات، ارزش افزوده بخش خدمات $۰/۱۸$ واحد رشد یافته است.

متغیرهای مجازی D_1 ، D_2 و D_3 به ترتیب نمایانگر شوک نفتی، وقوع انقلاب و جنگ است و ضرایب این متغیرها نشان می‌دهند که انقلاب و جنگ اثر منفی بر رشد ارزش افزوده بخش خدمات، و شوک نفتی اثر مثبت بر رشد ارزش افزوده این بخش داشته‌اند.

با دخالت رشد صادرات غیرنفتی و رشد صادرات بخش خدمات در مدل فوق، به جای متغیر رشد صادرات کل، همچنان نتایج به قوت خود باقی ماندند و ضریب مربوط به رشد صادرات غیر نفتی به $۱/۷$ و ضریب مربوط به رشد صادرات بخش خدمات به $۳/۸$ افزایش یافت که بزرگترین ضریب در میان سایر ضرایب است و نشان می‌دهد که بخش خدمات علاوه بر اینکه از اثرات جانبی ناشی از صادرات سایر بخشها به خوبی منتفع شده، از رشد صادرات خود بخش نیز تأثیر زیادی پذیرفته است.

جدول ۳- تعریف متغیرهای بکار گرفته شده در طول بررسی

متغیر	نحوه محاسبه	تعریف
RGDP	$\frac{\Delta Y}{Y}$	رشد تولید ناخالص داخلی
RGDPN	$\frac{\Delta Y}{Y}$	رشد تولید ناخالص داخلی (بدون نفت)
RTL	$\frac{\Delta L}{L}$	رشد نیروی کار
SHTIN	$\frac{\Delta I}{Y}$	سهم سرمایه‌گذاری از تولید ناخالص داخلی
VARTH	$\frac{\Delta X}{X} \cdot \frac{X}{Y}$	رشد صادرات ضربدر سهم صادرات از تولید
VARTHNO	$\frac{\Delta XNO}{XNO} \cdot \frac{XNO}{Y}$	رشد صادرات غیرنفتی ضربدر سهم صادرات غیرنفتی از تولید ناخالص داخلی بدون نفت
RVAAG	$\frac{\Delta VAAG}{VAAG}$	رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی
RLA	$\frac{\Delta LAG}{LAG}$	رشد نیروی کار بخش کشاورزی ناخالص داخلی
SHINAG	$\frac{\Delta INAG}{VAAG}$	سهم سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی از ارزش افزوده بخش
VARTHA	$\frac{\Delta X}{X} \cdot \frac{X}{VAAG}$	رشد صادرات ضربدر سهم صادرات از ارزش افزوده بخش
VARNOA	$\frac{\Delta XNO}{XNO} \cdot \frac{XNO}{XAAG}$	رشد صادرات غیرنفتی ضربدر سهم صادرات غیرنفتی از ارزش افزوده بخش کشاورزی
REXA	$\frac{\Delta EXAG}{EXAG} \cdot \frac{EXAG}{VAAG}$	رشد صادرات بخش کشاورزی ضربدر سهم صادرات بخش کشاورزی از ارزش افزوده
RVAIN	$\frac{\Delta VAIN}{VAIN}$	رشد ارزش افزوده بخش صنعت
RLI	$\frac{\Delta LIN}{LIN}$	رشد نیروی کار بخش صنعت
SHININ	$\frac{\Delta ININ}{VAIN}$	سهم سرمایه‌گذاری بخش صنعت از ارزش افزوده بخش
VARTHI	$\frac{\Delta X}{X} \cdot \frac{X}{VAIN}$	رشد صادرات ضربدر سهم صادرات از ارزش افزوده بخش
VARNOI	$\frac{\Delta XNO}{XNO} \cdot \frac{XNO}{VAIN}$	رشد صادرات غیرنفتی ضربدر سهم صادرات غیرنفتی از ارزش افزوده بخش
REXI	$\frac{\Delta EXI}{EXI} \cdot \frac{EXI}{VAIN}$	رشد صادرات بخش صنعت ضربدر سهم صادرات بخش صنعت از ارزش افزوده بخش
RVAKH	$\frac{\Delta VAKH}{VAKH}$	رشد ارزش افزوده بخش خدمات

ادامه جدول شماره ۵

رشد نیروی کار بخش خدمات	$\frac{VLKH}{LKH}$	RLK
تعریف	متغیر	نحوه محاسبه
رشد سرمایه گذاری بخش خدمات از ارزش افزوده بخش	$\frac{VINKH}{VAKH}$	SHINKH
رشد صادرات ضربدر سهم صادرات از ارزش افزوده بخش خدمات	$\frac{VX}{X} \cdot \frac{X}{VAKH}$	VARTHK
رشد صادرات غیرنفتی ضربدر سهم صادرات غیرنفتی از ارزش افزوده بخش خدمات	$\frac{VXNO}{XNO} \cdot \frac{XNO}{VAKH}$	VARNOK
رشد صادرات بخش خدمات ضربدر سهم صادرات بخش خدمات از ارزش افزوده بخش	$\frac{VEXKH}{EXKH} \cdot \frac{EXKH}{VAKH}$	REXK

نتیجه گیری

در بررسی نظری اثر صادرات بر رشد اقتصادی، مشاهده شد که رشد اقتصادی در ایران، متأثر از رشد صادرات در کشور بوده است و یک رابطه یک طرفه از جانب رشد صادرات به رشد GDP ملاحظه می شود و در میان عوامل موثر بر رشد اقتصادی ضریب مربوط به صادرات، بزرگترین ضریب است به نحوی که با افزایش یک واحد در رشد صادرات، تولید ناخالص داخلی $1/2$ واحد رشد یافته است. البته وقوع حوادثی نظیر جنگ و انقلاب اثر منفی بر رشد اقتصادی داشته اند و این در حالی است که شوک نفتی سال ۱۳۵۳ به رغم اینکه دلارهای فراوانی را به اقتصاد مملکت وارد نمود، اثر معنی داری بر رشد GDP نداشته است.

همچنین در بررسی بخشی، سه بخش کشاورزی، صنعت و خدمات لحاظ شدند. بخش کشاورزی به دلیل فن آوری ساده تری که مورد استفاده قرار می دهد، وابستگی کمتری به صادرات و دلارهای حاصل از صدور نفت داشته است. بنابراین، رشد صادرات و صادرات غیرنفتی اثر معنی داری بر رشد ارزش افزوده این بخش نداشته اند و فقط رشد صادرات بخش کشاورزی، رشد ارزش افزوده این بخش را متأثر ساخته است. به عبارتی، بخش کشاورزی از اثرات جانبی ناشی از صادرات سایر بخشها منتفع نگردیده است. در میان سایر عوامل موثر بر رشد، رشد نیروی کار بزرگترین ضریب را در بخش کشاورزی داشته است (۰/۹۷) که بیشتر به دلیل ویژگی کاربر بودن بخش مذکور است. همچنین در طول سالهای مورد بررسی، بخش کشاورزی کمترین نوسان در رشد ارزش افزوده را داشته و عواملی نظیر جنگ، وقوع انقلاب و

شوکه‌های نفتی اثر معنی‌داری بر رشد ارزش افزوده نداشته‌اند. تنها عامل مؤثر بر ارزش افزوده کشاورزی، انجام اصلاحات ارضی در دهه ۱۳۴۰ است. هر چند که برنامه اصلاحات ارضی در راستای اهداف مدل‌های رشد روستو و همزمان با اعمال سیاست جانشینی واردات در ایران انجام شد و هدف از آن، انتقال نیروی کار اضافی از بخش کشاورزی به بخش نوپا و در حال شکل‌گیری صنایع و معادن و فراهم سازی وسایل لازم جهت مدرنیزه شدن بخش کشاورزی بوده لیکن این ارتباط هیچگاه بین دو بخش ایجاد نشد و با توجه به ضریب حاصله (۰/۰۳ -) این پدیده صرفاً منجر به کاهش رشد شد.

دو بخش صنعت و خدمات، تحت تأثیر رشد کل صادرات و صادرات غیرنفتی بوده است و هر دو عامل اثر مثبت و معنی‌داری بر رشد این بخشها داشته‌اند به عبارتی، دو بخش مذکور به خوبی از اثرات جانبی حاصل از صادرات منتفع شده‌اند و از آنجاییکه ضریب مربوط به رشد کل صادرات و رشد صادرات غیرنفتی در بخش خدمات بزرگتر از ضریب مربوطه در بخش صنعت است، می‌توان نتیجه گرفت که بخش خدمات بیشترین نفع را از اثرات جانبی حاصل از صادرات برده است.

با توجه به اینکه ضریب مربوط به رشد صادرات صنعتی در بخش صنعت و ضریب مربوط به رشد صادرات کشاورزی در بخش کشاورزی تقریباً برابر شده‌اند (۵/۰) و با توجه به اینکه بیش از ۶۰ درصد صادرات غیرنفتی مربوط به صادرات کشاورزی است، می‌تواند گویای رشد کندتر قیمت محصولات کشاورزی نسبت به محصولات صنعتی در سطح جهانی باشد. بنابراین، عدم تأکید بر صدور مواد خام و اولیه در بلندمدت نتیجه می‌شود. به علاوه، سایر عوامل نظیر کاهش تقاضای پایین برای این محصولات و وخامت رابطه مبادله به زیان کشورهای در حال توسعه و ظهور مواد جانشین در کشورهای صنعتی نیز توجه محض به صدور محصولات کشاورزی را در بلندمدت به زیر سؤال می‌برد.

به دلیل ویژگی وابسته‌تر بخشهای صنعت و خدمات به ورود کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای، دو بخش مذکور شدیداً تحت تأثیر عوامل خارجی بوده‌اند. یعنی عواملی نظیر جنگ و وقوع انقلاب اثر منفی، و شوک نفتی اثر مثبت بر رشد ارزش افزوده این بخشها داشته‌است.

همچنین پایین بودن ضرایب مربوط به رشد نیروی کار و سرمایه‌گذاری در بخش خدمات نسبت به سایر بخشها، و با توجه به اینکه بیشترین درصد نیروی کار و سرمایه‌گذاری در این بخش بکار گرفته شده‌است، می‌تواند حاکی از کارایی پایین این عوامل در بخش خدمات باشد.

با توجه به نتایج حاصل از بررسی و سهم قابل توجه صادرات در رشد اقتصادی کشور، لزوم حرکت به

سمت سیاستهای توسعه اقتصادی برون گرا تأیید می‌شود. ولی از آنجایی که کشور ما از لحاظ منابع انرژی و تنوع در تولید محصولات کشاورزی دارای استعدادهای بالقوه‌ای می‌باشد، بخش کشاورزی در کوتاه مدت قابلیت ارز آوری بیشتری را دارد. لذا از آنجایی که صدور محصولات به صورت خام و اولیه نسبت به کالاهای ساخته شده اثر کمتری بر رشد ارزش افزوده در بلند مدت خواهند داشت، بنابراین توجه به ایجاد صنایع تبدیلی و محصولات کشاورزی - صنعتی، علاوه بر افزایش سطح اشتغال و ارزش افزوده، ارتباط بین بخشها خصوصاً بخش کشاورزی و صنعت را نیز افزایش خواهد داد. همچنین جهت بهبود کیفیت محصولات صادراتی و انتخاب نوع محصول، باید سرمایه‌گذاری‌هایی در جهت تحقق و توسعه صورت گیرد و منابع اطلاعاتی صحیح و قابل دسترسی در اختیار تولیدکنندگان و صادرکنندگان قرار گیرد تا اینکه تولیدکنندگان داخلی با توجه به شرایط بازارهای خارجی اقدام به تولید و صدور نمایند، که در این رابطه، نقش دولت در هدایت سرمایه‌های موجود در راستای اهداف مذکور حایز اهمیت است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. امینی، علیرضا. اندازه‌گیری و تجزیه و تحلیل رشد بهره‌وری عوامل تولید در یک الگوی چهاربخشی، (تهران: سازمان برنامه و بودجه، معاونت اقتصادی و هماهنگی - دفتر جمعیت، اشتغال و بهره‌وری، ۱۳۷۵).
۲. باریر، ج. اقتصاد ایران، (تهران: موسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی ایران، ۱۳۶۳).
۳. تابش، احمد. پیشینه برنامه‌ریزی در ایران، (تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی، اجتماعی و انتشارات، ۱۳۷۴).
۴. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، پس از چهار سال، (اردیبهشت ۱۳۷۲).
۵. جبروند، عبدالله. توسعه اقتصادی (مجموعه عقاید)، (تهران: انتشارات علامه طباطبائی، ۱۳۶۶).
۶. فرهنگ، منوچهر. زندگی اقتصادی ایران، (تهران: دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی، چاپ سوم، ۱۳۵۰).
۷. قره باغیان، مرتضی. یک بررسی تاریخی و اجمالی از بکارگیری سیاست‌های جانشینی واردات در ایران در طول سالهای ۵۷-۱۳۴۳، آرایه شده در کنفرانس نوسازی اقتصاد ایران، (تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۶۸).
۸. کاتوزیان، همایون. اقتصاد سیاسی ایران، استبداد دو ششبه مدرنیسم، جلد ۲، محمدرضا نفیسی، (تهران: پایروس ۱۳۶۶).
۹. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. گزارش اقتصادی و ترازنامه، سالهای مختلف
۱۰. لطیف، بیژن. نقش و جایگاه سرمایه در توسعه کشاورزی ایران، اطلاعات سیاسی اقتصادی، ش ۳، (دی و بهمن ۱۳۶۸).
۱۱. سازمان برنامه و بودجه. مجموعه اطلاعاتی (سری زمانی آمار حسابهای ملی، پولی، مالی)، دفتر اقتصاد کلان، (۱۳۷۳).
۱۲. مستندات برنامه دوم (۷۷-۱۳۷۳) جلد ۱۱.
۱۳. نادری، ابوالقاسم. مزیت نسبی و توسعه صادرات در ایران، (تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی: آبان ۱۳۷۱).

14. Balassa. B, "Exports Policy Choices, and Economic Growth in Developing Countries after the (1973) Oil shock", Journal of Development Economics, (1985,76)
15. Balassa. B, "Export and Economic Growth: Further Evidence," Journal of Development Economics,(1978,5)
16. Bahmani - Oskoee. Mohsen, Mohtadi, H. & Shabsigh. G. "Exports Growth and Causality in LDCs , A RE - Examination", Journal of Development Economics,(1991, 36)
17. Chow. peter. C.Y. "Causality Between Export Growth and Industrial development emprical evidence from the NICs," Journal of Development Economics, (1987, 26)
18. Esfahani. H.S. "Export, Imports and Economic Growth in Semi Industrialized Countries," Journal of Development Economics, (1991, 25)
19. Feder. G. "On Export and Economic Growth" Journal of Development Economics, (Februray - April 1982)
20. Jung, S.W. and Marshall. P.J. "Export, Growth and Causality in Developing Countries" , Journal of Development Economics, (1985,18)
21. Kavoussi. R.M. "Export Expansion and Economic Growth, Further Empirical Evidence", Journal of Development Economic, (May - June 1985)
22. Khan. M.S. and Reinhart. C.M. "Private Investment and Economic Growth in Developing Countries" , World Development, Vol.18, NO.7.(1990)
23. Khan. H.A. & saqib. N. "Exports and Economic Growth: the Pakistan Experience," International Economic Journal. Vol 7.N.3, (Autumn 1993)
24. Pindyck and Rubinfeld, "Econometric Models and Economic Forecasts," NewYork: Mc Graw Hill, 1981)
25. Maddala G.S. "Introduction to Econometrics," (Newyork: Macmillan 1989)



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی